

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

آدان ظهر ۱۲/۱۶ | آدان مغرب ۱۸/۱۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۴ | آدان صبح فردا ۵/۰۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۱

امام صادق (ع):

صله رحم، انسنان را خوش اخلاق، با سخاوت و پاکیزه جان می نماید و روزی را زیاد می کند و مرگ را به تأخیر می اندازد.

کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۶

نگاره

احمد رضا سهرابی



فضای مجازی اهالی فرهنگ و هنر بخصوص آنهایی که هنرمند سینما هستند، به فوت ناگهانی زهره فکور صبور اختصاص داشت. برخی هنرمندان ونویسندگان هم آثارشان را معرفی و با مخاطبان خود در فضای مجازی به اشتراک می گذارند.

هنرمندان در فضای مجازی

■ **چهره ها**

شبنم مقدمی بازیگر سینما با انتشار عکسی از پشت صحنه فیلم «آزمایشگاه» ساخته دکتر حمید امجد نوشته: «این عکس مال ۱۰ سال پیش، پاییز سال ۱۳۹۰. اولین حسی که بعد از دیدن عکس بهم دست داد این بود که خداروشکر! همه آدمای نوی عکس، زنده‌اند! صحیح و سالم... حالا گیرم ۱۰ سال پیرتر! بعدش دلم تنگ شد... برای روزای کمی بهتر، که کمی راحت‌تر می شد خندید، کمی راحت‌تر می شد کنار هم بود، دست کم همدیگه رو براحتی می شد بغل کرد!»



مرجان ریاحی کارگردان هم به بهانه موفقیت جهانی فیلم کوتاه «امروز جمعه است» به کارگردانی محمد آهنگر به نقل خاطره از زمان نوشتن این فیلمنامه پرداخت: «فیلمنامه فیلم کوتاه «امروز جمعه است» را در سخت‌ترین شرایط روحی‌ام نوشتم. در زمانی که هم‌زمان سوگوار مرگ پدرم و دونفر از اقوام نزدیکم بودم. نوشتنش حدود یک ماه طول کشید وپیادم است ۱۵ روز اول را از خانه بیرون نرفتم.»



مهدی پاکدل بازیگر سینما با انتشار کلیپی از فیلم جیران به کارگردانی حسن فتحی و تهیه‌کنندگی اسماعیل عقیفه نوشته: «سه قسمت همراه عاشقانه «جیران» بودیم و عشق سیبوس و خدیجه را به‌تماشای نشستیم، اما این تازه شروع این عاشقانه است! منتظر اوج داستان باشید.»



محمد کارت بازیگر و کارگردان که مستند سینمایی «آواتاژ» را ساخته از پخش این مستند از طریق یکی از شبکه‌های نمایش خانگی خبر داده و نوشته: «این مستند که از دهم اسفند ماه از فیلموب پخش می شود، مستندی که الان پنج سال از ساختنش می‌گذره و دیگه سازنده‌اش نیستم مخاطبشم و خیلی دوستش دارم.چون تلاش کردم روحش شریف و نفسش گرم باشه.چون دوست داشتم جان کلامش واسه مخاطب تأمل برانگیز باشه تا بعد دیدنش به حال خوب‌تری برسه.چون تلاش کردم برخلاف خیلی از مستندهای اجتماعی باری روی دوش سوزه‌اش نیاشه بلکه بار از دوشوشن برداره و تک تک سوزه‌هاش بتونن به حضورشون افتخار کنن.دوستش دارم چون می‌تونه بگه.توی همه ابعاد زندگی، ما اگر ته خطم باشیم با قدرت اراده می‌تونیم ورق رو برگردونیم. ما تو هر موقعیتی می‌تونیم قهرمان زندگی فردی خودمون باشیم، ما محور جهان خودمونیم.»



حسین پاکدل نویسنده و کارگردان درباره تئاتر «احتمالات» به نویسندگی و کارگردانی علی شمس نوشته: «چه موجود عجیبی است این علی شمس. تازه معلوم شد نباید این‌طوری نگاهش کرد، کلی‌اش توی زمین است. اعجوبه است این بشر. آدم از این همه فهم، این همه تسلط‌اش به واژه، تاریخ، درام، پارودی، هجو، دراماتورژی، لجام درمی‌آید. از وسعت ذهن سیال‌ اش، قدرت رویاپردازی بدیع‌اش، بازیگوشی‌های طنزآنهاش فقط می‌شود حیرت کرد. حالا نوشته هیچ، که یک اتفاق است. کارگردانی هم این‌جا غوغاست. طراحی صحنه‌اش، جلوه‌های ویژه‌اش. نورپردازی‌اش، وای موسیقی‌اش را دیگر نگو، هوش ریاست. بازی‌ها که یکی از یکی بهتر. مگر می‌شود؟ چه توانی، چه قدرتی، چه تسلطی، یاخدا! چه می‌کنند روی صحنه!کلا این نمایش یک کلاس درس است. آن قدر چیز بی‌پای یاد گرفتن نوش هست که مغز آدم هنگ می‌کند. فقط می‌توانم بگویم با تمام وجود بهشان حسودی کردم؛ به تک‌تک‌شان. هر که هرچه می‌خواهد بگوید. من الان یک حسود تمام عیارم‌تا آخر اسفند هرشب دارد اجرا می‌شود. در تئاتر شهر. چهارسو. ساعت هشت.»

■ **دیگه چه خبر**



خبر نمایش فیلم «آقای صیاد را ول کنید» ساخته مریم ملک مختار و نیز نشست گفت‌وگو با محمد صیاد و کارگردان فیلم در جشنواره فیلم تصویر را محمد نوروزی با عکسی در صفحه خود منتشر کرده است. او درباره این فیلم نوشت: «مراحل ساخت «آقای صیاد را ول کنید!» که حاصل بیش از ۵۰ ساعت گفت‌وگوی ضبط شده با محمد صیاد است، بیش از سه سال به طول انجامید است. تدوین این مستند از ترکیب عکس‌ها و خاطرات او از اولین روزهای انقلاب، دوران جنگ و دیگر رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی ایران با رویکردی خلاقانه توسط سه‌ند صمدیان، انجام شده است. ترکیب صدای فیلم توسط محمدرضا دلپاک انجام شده است و طراحی پوستر و تیتراژ، آخرین فعالیت هنری زنده یاد مهرباد ذوالنور است. «آقای صیاد را ول کنید» که تولید مرکز فیلم تصویر است، در بخش نیمه بلند پانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت به نمایش درآمد و جایزه دبیر جشنواره را برای سوزه منحصr به‌فرد فیلم به دست آورد.»

»

«مورچه‌خوار» پشت‌پرده‌شاخ‌های مجازی را افشاگری می‌کند

شاهد احمدلو: «مورچه‌خوار» یک طنز اجتماعی است که زندگی فردی را که بر حسب اتفاقی ساده و حتی احمقانه تبدیل به یکی از ستاره‌های دنیای مجازی می‌شود، روایت می‌کند. این فیلم آن چیزی را که ما در فضای مجازی می‌بینیم نشان می‌دهد. شاید بهتر باشد بگویم که «مورچه‌خوار» یک افشاگری در مورد پشت‌پرده زندگی پوشالی شاخ‌های مجازی است همان‌طور که در خلاصه داستان فیلم هم همین را مطرح کردیم که احمق‌ها را معروف نکنیم. این فیلم بسیار شبیه دنیای مجازی است، یعنی همان‌طور که در بخش جست‌وجوی (explorer) اینستاگرام، فیلم‌هایی با موضوع‌های مختلف می‌بینید، این تنوع در ساختار فیلم مورچه‌خوار هم لحاظ شده‌است و بجز این، ما تلاش کردیم یک فیلم شریف و با ادب برای سطح وسیعی از مخاطبان سینما بسازیم.

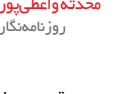
بخشی از سخنان کارگردان فیلم سینمایی مورچه خوار در گفت‌وگو با ایسنا

جنگ، آنگونه که هست

این روزها که تصاویر جنگ در اوکراین، سریع و لحظه به لحظه علاوه بر شبکه‌های خبری در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود، جنگ بیش از هر زمان دیگر، همان گونه که هست، دیده می‌شود. برای ما که تجربه سال‌های جنگ را پشت سر گذاشته‌ایم و آنچه از واقعیت آن می‌دانیم از راه تصاویر بوده؛ دیدن تصویر مقاومت در پنجشیر یا کی یف طعمی خاص دارد. در روزگاری که تصویرها، قهرمان‌ها را نزدیکتر می‌کنند و اندوه و رنج را در نمایی عینی به چشم مخاطب می‌رسانند، این ذهنیت پیش می‌آید که تماشای دفاع هشت ساله مردم ایران، دیدن تصویر زنانی که در روزهای نخستین جنگ در جنوب ایران همپای مردان مقاومت کردند یا تماشای فیلم‌ها و عکس‌هایی از زنان و مردانی که پای پیاده از شهرهای به آتش کشیده شده آواره شدند، چقدر می‌توانست همدلی کشورهای همسایه و جهانیان را نسبت به رویدادی که داخل مرزهای ایران اتفاق افتاد، برانگیزد؟!سینمای مستند و داستانی ایران، در هشت سال دفاع کنار مردم بود، فیلمسازانی مثل رسول ملاقلی‌پور از همان روزهای آغازین جنگ در دل مناطق جنگزده فیلم ساختند. به همین دلیل شاید جنگ تحمیلی، از معدود درخدادهای تاریخ معاصر ایران باشد که در ابعاد مختلف از آن فیلم و تصویر باقی است، اما طبیعی است که این تصاویر و حتی بهترین فیلم‌های سینمایی به‌دلیل اولویت‌های سیاسی مختلف به همه تریبون‌ها راه نیافتند و شبکه‌های خبری جهان، آنگونه که شایسته بود تلخی جنگ در دوش کشور همسایه را به مخاطبان‌شان مخابره نکردند.



سایه روشن



مدحده و انتقاپور

روزنامه‌نگار

دعوت به ضیافت تردستی یک شاعر

«طوفان در زنجیر» کتابی با ۱۳۳ شعر سپید کوتاه با بسامد واژگانی چون «گل سرخ، سرباز، وطن، مادر، رنگین‌کمان، کودک، گندم، بوسه، سکوت، تنهایی و خد» کشف لحظه‌های ویران انسان پریشان و رموز امروزی را روایت می‌کند. فکر می‌کنم با دفتر ششم این شاعر روزنامه‌نگار مستندساز دو گونه می‌شود برخورد کرد؛ دیگر نگاهی گذرا به شعرها و سپردن آنها به حافظه و دیگر کندوکاوی که عمیق‌تر به آنچه وی بی‌ادعا در این دفتر آینه‌ای از خود به یادگار گذاشته. در نگاه اول گویی کیوان مهرگان چنین‌اش را به خواننده‌هایش سپرده است یا شاید همان خواننده این‌اش شده است و در امتداد این دیدن و نگاه یا



گناه متولد می‌شود یا گل سرخ و یا آنجا که برای رسیدن و دیدن خودش می‌دود و مخاطب هم به دنبالش و چنین است که همچنان شعر آفریده می‌شود.

بی‌شک زیبایی‌های پریمتئو وعاشقانه بعضی از شعرها چنان دلپذیر است که عمق خیال واژه‌ها و تصویرشان در ذهن سبزی می‌شود. از همه مهم‌تر زندگی عاشقانه و شهود شاعرانه در لحظه بی‌کمانی و بی‌زمانی تعدادی از شعرها شگرف و هویداست. البته در کنار شعرهای عاشقانه، دغدغه‌مندی اجتماعی شاعر وطن‌دوستی چون کیوان مهرگان را نمی‌توان نادیده گرفت. به باور نگارنده، این لایه اول شعرهای مهرگان است. یعنی هر کس این کتاب را دست می‌گیرد می‌تواند این روایت‌های متنوع را در شعر مهرگان لمس کند. اما وقتی در برخی اشعار این شاعر عمیق می‌شویم به تجربه‌هایی منحصربه‌فرد در فرم روایت او بر می‌خوریم. مثلا گنجاندن دوزمان مختلف در شعر یا تصویر دو حالت متضاد در شعر (شماره صفحه ۱۰)

در این شعر چهار سطری شاعر دو حال مختلف شیدایی و ناکامی را در یک قاب به تصویر کشیده است. لایه سوم رفت و برگشت‌های زمانی شاعرانه است که تجربه نابی را با خواننده‌ای که معلوم نیست در چه زمانی است در میان می‌گذارد. در همین شعر صفحه ۱۰۰، در سطر اول زمان گذشته است. در سطر دوم مضارع استمراری و در سطر پایانی آینده. این رفت و برگشت‌های زمانی در اغلب اشعار این دفتر به‌عنوان تجربه‌ای منحصربه‌فرد مشاهده می‌شود.

یکی دیگر از لایه‌های دیگر این دفتر جابه‌جا شدن زاویه دید است. گاهی ما داستان کوتاه را از زاویه یک آینه می‌بینیم، گاهی از زاویه کسی که به درون آینه نگاه می‌کند و در بخش سوم زاویه دید به سوم شخص ارجاع پیدا می‌کند. (شعر صفحه ۹۲)

در شعر صفحه ۵۸ شاعر از مهارت فلیمساز بودنش به‌درستی استفاده کرده و یک روایت سینمایی چند لایه را به خواننده ارائه می‌کند. او از پلان‌های خرد شروع کرده بعد یک تابلو را از نمای خیلی باز پیش چشم تماشاگر/ خواننده برپا می‌کند.

«طوفان در زنجیر» ۱۳۳ شعر دارد که هر کدام می‌تواند ذهن را ساعت‌ها به کار بگیرد که از اخبار تلخ این روزها فارغ و لختی به شعبده کلمات و تصویر و خیال و عصبان و سینما باهم مشغول شد. کیوان مهرگان در این دفتر بی‌سروصدا شما را به یک تردستی شاعرانه دعوت کرده است.



عکس نوشت

بَرَمِ دِلکِ محوطه‌ای باستانی در نزدیکی شهر شیراز است که با نقش برجسته شاهزاده زن ساسانی، بهرام دوم و شاپور اول ساسانی شناخته می‌شود که در سال‌های اخیر مکرر نسبت به نابودی تدریجی این نقوش برجسته هشدار داده شده است. پس از این هشدار، اکنون برای تعطیلی هرچه زودتر این معدن اقداماتی صورت گرفته است. /ایسنا

خروج از کلیشه‌های زندگی/ ۵

چگونه زیاتر باشیم؟

به دنبال هر «کلیشه‌ای» از زندگی، یک سودی نهفته است که شاید آن سود خودش کاذب ایجاد شده باشد، یا به مرور زمان سود آن کاذب شده باشد، مثلاً کلیشه اینکه تقسیم وظایف زن و مرد یک روزگاری حتما کارکرد خود را داشته است ،اما با تغییر شکل

جامع حلالا دیگر کارکرد خود را ندارد و تبدیل

به یک کلیشه شده است. اما مهم ترین چیزی که می‌توان کلیشه‌هایی را پیدا کرد که از ابتدای

ایجاد آن، سودش کاذب بوده است در دنیای مد جای می‌گیرد! البته مد امروزه به یک صنعت تبدیل شده است و در بسیاری از زمینه‌ها خودش را گسترش داده است، حتی در حوزه روانشناسی هم می‌توان به دنبال مدها گشت، مثلاً رواج بیج‌ها و دوره‌هایی که قرار است اعتماد به نفس یا خوددوست‌داری را در افراد تقویت کند.بیاد می‌دهد چگونه انرژی مثبت در زندگی خود ایجاد کنید و... ،اگر به عمق

این آموزش‌ها برویم می‌بینیم عملا جز یک تلقین گذرا و نتیجه آن، این آموزش‌ها جایی در تغییر سبک زندگی افراد ندارند اما امروزه کمتر کسی را می‌توانید پیدا کنید که عضو یکی از این بیج‌ها نباشد یا در کلاس‌هایش شرکت نکرده باشد. حتی حوزه‌های تخصصی‌تر روانشناسی مثل «طرحواره» که بخشی از آن به «تله‌های زندگی» می‌پردازد، امروزه یک تجارت حساسی شده است و بسیاری از ناآگاهان به عمق این رویکرد درمانی فقط در حال آموزش به مردم عادی هستند تا جایی‌که امروزه بیشتر کسانی که به اتاق درمان‌گران مراجعه می‌کنند گویی خودشان می‌دانند در چه تله‌هایی گرفتارند و سؤال این است که اگر می‌دانند پس در اتاق درمان چه می‌کنند؟ بله گاهی

ما فریب می‌خوریم و در سطح دانسته‌ها به صورت کلیشه وار در نوسانیم و همین می‌شود کلیشه‌های زندگی مدرن، می‌شود مد روز! جراحی‌های زیبایی نمونه دیگری از این کلیشه‌ها است که از ابتدا بر اساس یک سود واقعی ایجاد نشدند. زیبایی تحمیلی زندگی مدرن خودش را بر انسان تحمیل کرد و حالا در دنیا بسیاری از عمل‌های زیبایی عمل‌هایی است که لزومی به انجامشان نیست ،اما گویی بنا بر کلیشه‌هایی که زندگی مدرن و خصوصاََ فضای مجازی این دنیا، به انسان تحمیل می‌کند افراد احساس می‌کنند باید هر روز بخشی از ظاهر خود را تغییر دهند و نکته اینجاست که این مسأله در بسیاری مواقع تبدیل به اختلال هم می‌شود و افرادی هستند که به عمل‌های کوچک و بزرگ زیبایی اعتیاد پیدا می‌کنند، به‌طوری‌که حتی خارج از موضوع جراحی‌های زیبایی کلیشه ای هر چه لاغرتر بهتر خودش به اختلال خوردن می‌تواند بینجامد.

نکته مهم اینجاست که هر چقدر «خودپنداره» در افراد واقعی و «خود» قوی باشد می‌تواند در برابر کلیشه‌ها مقاومت کند و اتفاقاََ اینجاست که فرد می‌تواند به یک خود دوست داشته‌اش حقیقی برسد، نه با رفتن در دوره‌های تلقینی! مقاومت در برابر آنچه تحمیل می‌شود و فرد بدون ذره‌ای سود و زیان حقیقی بنا به دیدگاه اجتماع به آن تن می‌دهد، اول تغییری بزرگ است، چون یک روز چاقی مد می‌شود و یک روز لاغری. یک روز ابروی باریک مد می‌شود و یک روز ابروی پهن. یک روز بینی عقابی مد می‌شود و... ،اما این مد شدن و کلیشه‌ها سودش برای مردم نیست ،بلکه پشتش یک تجارت است که این اجارهای غیرضروری را ایجاد می‌کند تا انگار انسان همیشه مشغول چیزی بیهوده باشد. چیزی را انتخاب کنیم که حقیقتاََ برای وجودمان سودی داشته باشد؛ این گونه زیباتریم.

«طوفان در زنجیر» ۱۳۳ شعر دارد که هر کدام می‌تواند ذهن را ساعت‌ها به کار بگیرد که از اخبار تلخ این روزها فارغ و لختی به شعبده کلمات و تصویر و خیال و عصبان و سینما باهم مشغول شد. کیوان مهرگان در این دفتر بی‌سروصدا شما را به یک تردستی شاعرانه دعوت کرده است.



عکس نوشت

بَرَمِ دِلکِ محوطه‌ای باستانی در نزدیکی شهر شیراز است که با نقش برجسته شاهزاده زن ساسانی، بهرام دوم و شاپور اول ساسانی شناخته می‌شود که در سال‌های اخیر مکرر نسبت به نابودی تدریجی این نقوش برجسته هشدار داده شده است. پس از این هشدار، اکنون برای تعطیلی هرچه زودتر این معدن اقداماتی صورت گرفته است. /ایسنا